

عنوان مقاله:

«بنیادگرایی» اسلامی و بدیل های مفهومی آن

محل انتشار:

مجله جامعه شناسی ایران، دوره 21، شماره 3 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

هادی درویشی - دانش آموخته دکتری جامعه شناسی

سارا شریعتی - عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

گاه برخی مفاهیم از فرط استفاده در حوزه های مختلف، کسسان شده و قدرت توضیح دهنده خود را از دست می دهند و به جای توضیح واقعیت، خود به حجاب واقعیت تبدیل می شوند. درباره مفهوم بنیادگرایی چه می توان گفت؟ آیا این مفهوم، توضیح دهنده آن چه که بنیادگرایی خوانده می شود، است یا باید از مفاهیم جایگزین استفاده نمود؟ آیا مفهوم بنیادگرایی را خارج از خاستگاه آن که آمریکای پروتستان قرن بیستم است می توان به کار برد؟ در پاسخ به این سوالات، دو گروه موافق (قائلان به کفایت مفهوم بنیادگرایی) و مخالف (قائلان به عدم کفایت) وجود دارند. لارنس، ریزبروت، آلتمیر، سامرز، شوارتز و لیندلی جزء دسته اول و از معتقدان به تعریف بنیادگرایی بر اساس تشابهات در ادیان و فرهنگ های مختلف هستند. در مقابل، قائلان به عدم کفایت مانند روتون، هانتز، سعید، بروینسن و فریدمن منتقد استفاده از بنیادگرایی در سایر فرهنگ ها و ادیان بوده و به دنبال جعل معادل برای این مفهوم هستند. یکی از این فرهنگ ها و ادیان، جهان اسلام و دین اسلام است. کاربرد اصطلاح بنیادگرایی در زمینه اسلامی چگونه ارزیابی می شود؟ و چه معادل هایی را برای بنیادگرایی در جهان اسلام می توان پیشنهاد داد؟ جهت پاسخ به این سوال با ۱۸ متخصص، مصاحبه به عمل آمده و از خلال تحلیل محتوای این مصاحبه ها مفاهیم نص گرایی، افراط گرایی، اصول گرایی، اسلام بیسم، رادیکالیسم و جزم گرایی به عنوان معادل های بنیادگرایی اسلامی به دست آمده که پس از نقد و بررسی آن ها سه مفهوم «سلفی جهادی»، «نص گرایی جهادی» و «نص گرایی تکفیری» به عنوان معادل های کم و بیش نزدیک به بنیادگرایی اسلامی، پیشنهاد گردیده اند.

کلمات کلیدی:

بنیادگرایی، بنیادگرایی اسلامی، سلفی جهادی، نص گرایی جهادی، نص گرایی تکفیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1658961>

